

مقاله‌ی کوتاه

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی کوتاه
سال سیزدهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۴۰۰، پیاپی ۵۰، صص ۲۸۹-۲۹۸
DOI: 10.22099/JBA.2022.42366.4171

گرت زین بد آید (درنگی بر معنای نیم‌مصراع از شاهنامه)

خلیل کهریزی*

چکیده

یکی از لغزشگاه‌ها در گزارش متون کهن، تکیه بر اسلوب‌های زبانی و ساخت‌های نحوی معاصر است. این کار به درکی نادرست و ناقص از این متون می‌انجامد و تحلیل‌ها و برداشت‌های ناپذیرفتنی را نیز در پی خواهد داشت. بی‌شک برای فهم درست متون کهن باید با زبان هر متن متناسب با دوره‌ی خلق آن متن برخورد کرد و از افتادن در دام ساخت‌های نحوی زبان فارسی معاصر پرهیز کرد. یکی از نمونه‌های تحمیل اسلوب‌های زبان فارسی معاصر در شرح‌ها و گزارش‌ها، به بخش نخست مصراع «گرت زین بد آید، گناه من است» برمی‌گردد که در دیباچه‌ی شاهنامه آمده است. ما در این جستار کوشیده‌ایم، با توجه به ویژگی‌های زبانی شاهنامه و بررسی جزء‌به‌جزء این نیم‌مصراع، معنای نادرست را نقد و درباره‌ی معنای درست آن بحث کنیم. در پایان نیز برای تأکید

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه kh.kahrizi@gmail.com

بر درستی معنای عرضه‌شده، از بافت بخش‌های پایانی شاهنامه که این نیم‌مصراع در آن تکرار شده است، کمک گرفته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: شاهنامه، گزارش، شرح، گرت زین بد آید.

۱. مقدمه

در بررسی و گزارش متون کهن، کوشش زیادی صرف یافتن معنای درست واژه‌ها می‌شود. اگرچه این امر یکی از ضرورت‌های اولیه‌ی خوانش و گزارش و آموزش متون کهن است؛ اما آنچه در برخورد با این متون مهم‌تر از یافتن معنای درست واژه‌هاست، آشنایی با اسلوب‌های زبانی و ساخت‌های نحوی و به دیگر سخن، آشنایی با شیوه‌های سخن‌گفتن فارسی‌زبانان در دوره‌ای است که متن موردنظر در آن به وجود آمده است؛ از همین روی، یکی از ضرورت‌ها در بررسی و گزارش متون کهن، رهاندن ذهن از دام اسلوب‌های زبانی و ساخت‌های نحوی فارسی معاصر است. به دیگر سخن، در مواجهه با یک متن کهن همیشه باید در نظر داشت که نمی‌توان با تکیه بر زبان فارسی معاصر و تحمیل اسلوب‌ها و ساخت‌های نحوی آن، متن را خواند و معنای درست آن را دریافت. شاهنامه نیز به‌عنوان متنی هزارساله از این قاعده مستثنی نیست.

اگرچه شاهنامه زبانی ساده و همه‌فهم دارد و امروزه شمار زیادی از ایرانیان بدون رجوع به فرهنگ‌های لغت و گزارش‌های شاهنامه، بخش‌های زیادی از آن را می‌فهمند؛ اما برای فهم درست و جزئی‌بخش‌هایی از این کتاب باید بیشتر دقت کرد و فریب اسلوب‌های زبانی معاصر را نخورد؛ زیرا نه تنها بیش از هزار سال از عمر شاهنامه می‌گذرد؛ بلکه این متن ریشه در متونی چند هزارساله دارد و به همین دلیل برای فهم درست بخش‌هایی از آن، علاوه بر خود شاهنامه باید از متون هم‌دوره‌ی آن یا متون کهن نیز کمک گرفت. این شیوه تنها راه درستی است که می‌تواند ما را در فهمیدن این متن یاری دهد؛ وگرنه ممکن است در خواندن بخش‌هایی از شاهنامه، ناخواسته در دام اسلوب‌ها و ساخت‌های نحوی زبان فارسی معاصر گرفتار شویم و شاهنامه را نیز بر همین پایه گزارش

کنیم. این روش به تأویل‌ها و برداشت‌های نادرستی از این متن یا هر متن کهن دیگری خواهد انجامید و تحلیل‌ها و تفسیرها و نتیجه‌گیری‌های نادرست و گمراه‌کننده‌ای را نیز در پی خواهد داشت.

بر پایه‌ی آنچه گذشت، ما در این مقاله می‌کوشیم تا یکی از نمونه‌های تحمیل‌سلوب‌های زبانی فارسی معاصر در گزارش‌های شاهنامه را در دیباچه‌ی آن و در ارتباط با مصراع «گرت زین بد آید، گناه من است» نشان دهیم و پس از آن معنای درست این مصراع را که با توجه به ویژگی‌های زبانی شاهنامه نیز اثبات‌پذیر است، بیان کنیم.

۲. گرت زین بد آید، گناه من است

فردوسی در دیباچه‌ی شاهنامه پس از ستایش پیامبر (ص) و امام‌علی (ع)، به پیروی از حکیم، جهان را همچون دریایی مواج می‌داند که حدود هفتاد کشتی بر آن روان است. در بین این کشتی‌ها، پهن‌کشتی آراسته‌ای دیده می‌شود که پیامبر (ص) و وصی (امام‌علی) در آن هستند. فردوسی می‌گوید اگر به سرای دیگر (جهان آخرت) چشم داری، بر همین کشتی سوار شو و:

گرت زین بد آید، گناه من است چنین است و این دین و راه من است

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵).

بیشتر شارحان در گزارش‌ها و توضیحاتی که تاکنون در قالب کتاب یا مقاله درباره‌ی شاهنامه نوشته‌اند، درباره‌ی این بیت سکوت کرده‌اند. این سکوت که نشان‌دهنده‌ی روشن‌بودن معنای مصراع موردنظر است، در بعضی از گزارش‌ها کنار نهاده شده است. از بین شارحان شاهنامه، کاظم برگ‌نیسی در شاهنامه‌ای که تا پایان پادشاهی کی‌قباد فراهم آورده و در آن یک‌یک بیت‌ها را به‌خوبی شرح کرده است، درباره‌ی بیت موردنظر چنین گفته است: «اگر از این سخن بدت می‌آید (چه باک)، آن را گناه من بدان؛ سخن همین است که گفتم و این دین و راه زندگی من است (و از آن باز نخواهم گشت)» (برگ‌نیسی، ۱۳۸۸: ۴۷).

مهری بهفر نیز در جلد اول شرح خود بر شاهنامه، این گونه دو معنا برای مصراع موردنظر به دست داده است: «۱. اگر تو این راه را پیش گرفتی و زیان دیدی، مسئولیت آن بر گردن من؛ [دره‌حال] این راه و روش، مذهب و دین من است. ۲. [مصراع یکم]: اگر این سخن خوشایند تو نبود، خطای آن بر گردن من» (بهفر، ۱۳۹۹: ۴۱).

گزارش دوم بهفر همان است که پیش از این از برگ‌نیسی نقل شد و نگارنده در برخی محافل و مجالس عمومی و تخصصی نیز آن را شنیده است. باین حال، این برداشت به دو دلیل نمی‌تواند پذیرفتنی و درست باشد؛ نخست از آن روی که در صورت پذیرش این معنا، بین جمله‌ی شرط و جواب آن هماهنگی وجود نخواهد داشت. به دیگر سخن، جمله‌ی «گناه من است» نمی‌تواند جواب شرط منطقی جمله‌ی «اگر از این سخن بدت می‌آید» باشد. از همین روی هم برگ‌نیسی جمله‌ی «چه باک» را که جواب شرط منطقی جمله‌ی «اگر از این بدت می‌آید» است، در کمانک افزوده است. دوم اینکه، «بد آمدن از چیزی» به معنای «نفرت داشتن از چیزی»، «خوشایند نبودن چیزی» در متون کهن فارسی سابقه ندارد و ظاهراً اسلوبی نو در زبان فارسی معاصر است و به همین دلیل است که در لغت‌نامه‌ی دهخدا (ذیل بد آمدن) برای این مدخل شاهدی از سایه روشن صادق هدایت آورده شده است. بر همین پایه نمی‌توان گزارش برگ‌نیسی و گزارش دوم بهفر را پذیرفت و در اصل این گزارش برآمده از تحمیل اسلوب زبانی فارسی معاصر بر شاهنامه است و با زبان آن فاصله دارد؛ از همین روی، در ادامه با تجزیه‌ی اجزای این مصراع و توجه به ویژگی‌های زبانی شاهنامه و سرانجام با کمک خود شاهنامه درباره‌ی معنای درست این مصراع بحث می‌کنیم.

۱.۲. صفت به جای اسم مصدر

یکی از ویژگی‌های مهم زبانی در شاهنامه استفاده از صفت به جای اسم مصدر است. به دیگر سخن، گاه در شاهنامه صفاتی مانند «پشیمان»، «زشت»، «پرهیزگار» و... به جای

اسم مصدر «پشیمانی»، «زشتی»، «پرهیزگاری» به کار رفته است. این نکته را می‌توان یکی از ویژگی‌های سبکی شاهنامه به شمار آورد که نمونه‌های بسیار دارد و در ادامه چند مثال ذکر می‌شود:

مرا باشد آن مرز و فرمان ترا ز کرده نباشد پشیمان ترا
(فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۶۵)

که در آن صفت «پشیمان» به جای اسم مصدر «پشیمانی» به کار رفته است.
نمونه‌ای دیگر:

یکی چاره سازم که بدگوی من نراند به زشت آب در جوی من
(همان، ج ۶: ۱۹۷)

که در آن صفت «زشت» به جای اسم مصدر «زشتی» به کار رفته است.
نمونه‌ای دیگر:

نخست آفرین کرد بر کردگار کزو دید مردی و پرهیزگار
(همان، ج ۷: ۱۵۶)

که در آن صفت فاعلی «پرهیزگار» به جای اسم مصدر «پرهیزگاری» به کار رفته است.

صفت «بد» نیز به همین شکل در شاهنامه در نمونه‌های متعدد به جای اسم مصدر «بدی» به کار رفته است:

بریشان نشان کرد کردار بد بد آمد به پیش اندر از کار بد
(همان، ج ۳: ۲۳۱)

که در آن «بد» در آغاز مصراع دوم به جای «بدی» آمده است.

چو جویی بدانی که از کار بد به فرجام بر بدکنش بد رسد
(همان، ج ۴: ۳۲۳)

در پایان مصراع دوم «بد» به جای «بدی» به کار رفته است.

مگر بازگردد ز بد نام من به پیران سر این بد سرانجام من

(همان، ج ۳: ۳۶۴)

تو را گفته بودم که تیزی مکن ز گودرز بر بد مگردان سخن

(همان، ج ۴: ۴۰)

با این توضیحات، باید در نظر داشت که در مصراع «گرت زین بد، آید گناه من است» نیز ممکن است، صفت «بد» به جای اسم مصدر «بدی» به کار رفته باشد.

۲.۲. «آمدن» به معنای «رسیدن» و «عارض شدن»

یکی از معانی فعل «آمدن»، «رسیدن»، «دریافت کردن» و «عارض شدن» است که در جلد اول فرهنگ جامع زبان فارسی (۱۳۹۲: ۹۱۱) این گونه به آن اشاره شده است: «(معمولاً با حرف اضافه‌ی بر، به، را) (درمورد بلا، مصیبت و مانند آن) عارض شدن و وارد شدن بر کسی. «تو دانی که تا عم من ابوطالب از این جهان بیرون شد، بر من چند خواری آمد و می آید» (تفسیر طبری، ج ۲: ۳۶۵)...». برای این معنا که در فرهنگ جامع زبان فارسی شواهد متعددی برای آن به دست داده شده است، در شاهنامه نیز می توان شواهد بسیاری نشان داد که ما به یک شاهد بسنده می کنیم:

مرا این بد از اختر آیدهمی که نامم به خاک اندر آیدهمی

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵۰۸)

در این بیت نیز نخست صفت بد به جای اسم مصدر بدی به کار رفته و فعل آمدن نیز به معنای رسیدن است. یعنی معنای بیت بالا چنین است: این بدی که نامم به خاک می افتد، از سوی سرنوشت به من می رسد.

۳.۲. معنای درست نیم مصراع «گرت زین بد آید»

بر پایه‌ی آنچه گذشت، در نیم مصراع مورد نظر این جستار، نخست باید این دو نکته‌ی سبکی را در زبان فردوسی در نظر گرفت: ۱. ممکن است صفت بد به جای اسم مصدر

بدی به کار رفته باشد؛ ۲. ممکن است فعل آمدن در معنای رسیدن و دریافت کردن به کار رفته باشد. دقت در مصراع موردنظر نشان می‌دهد که دقیقاً در این مصراع نیز صفت به جای اسم مصدر آمده و فعل آمدن نیز در معنای موردنظر ما به کار رفته است؛ از همین روی، معنای درست این مصراع باید چنین باشد: اگر از [سوی] این [مسئله، یعنی در آمدن به آیین من و سوارشدن به کشتی‌ای که محمد (ص) و علی (ع) در آن هستند] به تو بدی رسید، گناه من است (مرا مقصر بدان). ناگفته نماند که در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز در ذیل «بد آمدن» معنای «بلا رسیدن، رسیدن واقعه‌ی ناگوار، زیان رسیدن» ذکر شده و همین بیت از فردوسی به عنوان شاهد آمده است.

به سخن دیگر، فردوسی در اینجا به مخاطبش اطمینان می‌دهد که برای نجات یافتن از دریایی که موج می‌زند و بیم غرق‌شدن در آن هست، باید به کشتی‌ای سوار شد که همچون چشم خروس زیباست و آن کشتی همان است که محمد (ص) و علی (ع) در آن هستند. در پایان نیز به مخاطب تضمین می‌دهد که اگر از این مسئله به تو بدی رسید، مرا مقصر بدان. به سخن دیگر، فردوسی تضمین می‌دهد که در آمدن به کشتی نبی و وصی تنها راه نجات از غرقه‌شدن است و در مصراع موردنظر ما این مسئله را تضمین می‌کند.

این معنا به معنای نخست بهفر که پیش از این نقل کردیم، نزدیک است؛ البته ایشان در شرح خود درباره‌ی اجزای نیم‌مصراع موردنظر و اسلوب زبانی آن سخنی نگفته‌اند؛ از همین روی معنای دوم را نیز که همان معنایی است که در آغاز از برگ‌نیسی نقل شد، آورده است. حال آنکه تردیدی نیست که معنای موردنظر برگ‌نیسی و معنای دوم بهفر به‌هیچ‌روی نمی‌تواند درست باشد. این نکته علاوه بر اینکه از راه درنگ بر اجزای مصراع تأیید می‌شود، مؤید دیگری در متن شاهنامه دارد که در ادامه درباره‌ی آن سخن خواهیم گفت.

۳. تکرار نیم‌مصراع «گرت زین بد آید» در بخش تاریخی شاهنامه

یکی از ویژگی‌های مهم شاهنامه که پیش از این نیز مورد توجه شاهنامه‌شناسان (رک. خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۴۲۳) بوده و برخی را نیز که با فردوسی و شیوه‌ی کار او آشنایی نداشته‌اند، به بیراهه برده است، مسئله‌ی تکرار در شاهنامه است. گاهی مصراع یا نیم‌مصراعی از شاهنامه در دو یا چندجای کتاب آمده است و در موارد بسیار نادر و کم‌شماری نیز تکبیت‌هایی تکرار شده است؛ البته این تکرارها کار خود شاعر است و باید آن را از تکرارهایی که کاتبان شاهنامه عامل آن بوده‌اند، جدا دانست. تکرارهای فردوسی می‌توانند در شناخت معنای درست نمونه‌های تکرار شده ما را یاری کنند؛ زیرا اگر در یک بافت ابهامی داشته باشند، بافت دیگر می‌تواند یاریگر ما در زدودن این ابهام باشد.

یکی از جملات شاهنامه که علاوه بر دیباچه در اواخر این کتاب نیز تکرار شده است، همین نیم‌مصراعی است که مورد نظر ما در این جستار بود؛ «گرت زین بد آید». از قضا آنچه معنای پیشنهادی ما برای این نیم‌مصراع را تأیید می‌کند، علاوه بر تطبیق جزء به جزء جمله با اسلوب‌ها و دستگاه صرفی - نحوی زبان فارسی در شاهنامه، بافت کلام فردوسی در محلی است که این نیم‌مصراع در آن تکرار شده است.

در آشفته‌گی‌های پس از خسرو پرویز، یکی از کسانی که بر پایه‌ی شاهنامه پنجاه روز پادشاهی می‌کند، فرابین است. او که نژاد شاهی ندارد، در گنج‌ها را می‌گشاید و کشور را ضعیف‌تر و آشفته‌تر می‌کند و سرانجام نیز ناجوانمردی و بیداد پیشه می‌کند. یکی از بزرگان به نام شهران گراز پنهانی با ایرانیان سخن می‌گوید و آن‌ها را بر فرابین می‌شوراند و با خود همراه می‌کند:

بدیشان چنین گفت شهران گراز	که این کار از ایرانیان شد دراز
گر آیدون که بر من نسازید بد	کنید آنکه از زادمردان سزد،
هم اکنون به نیروی یزدان پاک	مر او را ز تخت اندرآرم به خاک
چنین یافت پاسخ از ایرانیان	که بر تو مبادا که آید زیان

همه لشکر امروز یار تویم گرت زین بد آید، حصار تویم

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۰۷۲)

شهران گراز به ایرانیان می‌گوید که کار بر آنان دشوار شده و اگر بر من بدی نسازید و آن کنید که آزادمردان می‌کنند، من به نیروی یزدان پاک فرایین را از تخت به زیر می‌کشم. ایرانیان نیز در پاسخ می‌گویند که امروز همه یار تو هستیم و اگر بدی به تو رسد، حصار تو هستیم. نیم‌مصراع دیباچه‌ی شاهنامه که موضوع این جستار بود، در بیت پایانی از ابیات بالا نیز تکرار شده است و متناسب با بافت کلام فقط با معنای پیشنهادی ما می‌توان آن را با متن سازگار یافت.

۴. نتیجه‌گیری

شاهنامه متنی کهن است که باید آن را در بافت تاریخی‌اش خواند و شرح کرد؛ وگرنه اسلوب‌های زبانی معاصر درک ما را از این کتاب با مشکل روبه‌رو می‌کنند و به بیراهه می‌برند. یکی از جملات شاهنامه که پیش از این کمتر مورد توجه شارحان این کتاب بوده و بعضی نیز آن را با تکیه بر اسلوب‌های زبانی فارسی معاصر گزارش کرده‌اند، مصراع «گرت زین بد آید، گناه من است» در دیباچه‌ی شاهنامه است که پیشتر، برخی از شارحان، آن را این‌گونه گزارش کرده‌اند: اگر از این بدت می‌آید، گناه من است. حال آنکه «بد آمدن از چیزی» به معنای «متنفر بودن از چیزی» یک اسلوب نحوی جدید در زبان فارسی است و در روزگار فردوسی کاربرد نداشته است. بر همین اساس، ما در این جستار با بررسی جزء به جزء این مصراع و با تکیه بر ویژگی‌های زبانی شاهنامه و با توجه به تکرار بخش نخست آن در بخشی دیگر از شاهنامه، نخست معنایی که پیش از این برای آن به دست داده شده بود، نقد کردیم و سرانجام با کمک شواهد و اسناد بر این معنا تأکید کردیم: اگر از سوی این [سخن و مسأله] به تو بدی برسد، گناه من است.

منابع

- بهفر، مه‌ری (۱۳۹۹). تصحیح انتقادی و شرح یک‌یک ابیات شاهنامه‌ی فردوسی. دفتر یکم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۸). «تکرار در شاهنامه»، سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره‌ی فردوسی و شاهنامه). تهران: افکار، صص ۴۲۳-۴۸۳.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). شاهنامه (از دیباچه تا پادشاهی قباد). تصحیح و توضیح واژه‌ها و معنای ابیات از کاظم برگ‌نیسی، تهران: فکر روز.
- _____ (۱۳۸۹). شاهنامه. به‌کوشش جلال خالقی مطلق (ج ۶ با همکاری محمود امیدسالار، ج ۷ با همکاری ابوالفضل خطیبی)، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۳). شاهنامه. پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران: سخن.
- فرهنگ جامع زبان فارسی. (۱۳۹۲). جلد یکم، زیر نظر علی‌اشرف صادقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.